

Research Article

A Critique of the Socialist Theory of Sharing Economy from an Ethical Viewpoint according to the ideas of Friedrich Hayek and Ayn Rand

Raham Sharaf¹

Amir Jabbari²

Neda Looee³

Received: 06/02/2021

Accepted: 13/02/2021

Abstract

The socialist view of sharing economy never expires, just like other economic and political theories that are based on philosophical grounds. That is, they can be adopted as grounds for the management of the society under all circumstances. For instance, given the current situation of the world after the Covid-19 pandemic, which led to grave economic problems, undermined many businesses, and increased unemployment rates, some theorists recommend a return to versions of socialism. In this paper, we aim to examine and assess the validity of the theory of sharing economy.

1. Assistant professor, Department of Philosophy, University of Zanjan, Zanjan, Iran (corresponding author): rahamsharaf@yahoo.com.

2. Assistant professor, Department of Philosophy, University of Zanjan, Zanjan, Iran: amir_jabbari@znu.ac.ir.

3. MA student, University of Zanjan, Zanjan, Iran: neda_yjc1993@yahoo.com.

* Sharaf, R. & Jabbari, A. & Looee, N. (1400). A Critique of the Socialist Theory of Sharing Economy from an Ethical Viewpoint according to the ideas of Friedrich Hayek and Ayn Rand. *Journal of Naqd va Nazar (Philosophy and Theology)*, 26(104), pp. 129-155. Doi: 10.22081/jpt.2021.60054.1815

* Copyright © 2021, Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

my from an ethical point of view. Friedrich Hayek and Ayn Rand have offered analyses of socialism and sharing economy, discussing the ethical repercussions of the theory. In their ethical critique of sharing economy they point to components such as violations of individual rights and freedom in socialism as well as the destruction of people's individual identities. In this research, we gather data in the manner of the library method, trying to analyze and assess the data. Our findings suggest that Rand criticizes the ethical principles of socialism and the theory of sharing economy from a deeper, more philosophical perspective, while Hayek is more focused on its moral and social consequences.

Keywords

Sharing economy, socialism, altruism, egoism, freedom, individual identity.



مقاله پژوهشی

نقد نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی از منظر اخلاقی؛ بر مبنای تفکرات فردریش هایک و آین رند

رهام شرف^۱ امیر جباری^۲ ندا لولویی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵

چکیده

دیدگاه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی نیز مانند سایر نظریات اقتصادی و سیاسی که بر اساس مبانی فلسفی شکل گرفته‌اند، تاریخ مصرف نداشته و در هر شرایطی ممکن است به‌عنوان گزینه‌ای برای مدیریت جامعه مورد توجه قرار گیرد؛ چنانچه در وضعیت فعلی جهان با توجه به شیوع بیماری کرونا که موجب پدیدار شدن مشکلات اقتصادی شدید، از بین رفتن بسیاری از کسب‌وکارها و بالارفتن آمار بیکاری شده، برخی از نظریه‌پردازان بازگشت به روایت‌هایی از سوسیالیسم را توصیه می‌کنند. با توجه به این مسئله، هدف ما در این مقاله این است که نظریه اقتصاد اشتراکی را از منظری اخلاقی مورد کندوکاو قرار دهیم و در نهایت، اعتبار آن را از نظرگاه اخلاقی بسنجیم. فردریش هایک و آین رند دو تن از اندیشمندانی هستند که به تحلیل سوسیالیسم و اقتصاد اشتراکی پرداخته‌اند و پیامدهای اخلاقی این نظریه را بررسی و نقد کرده‌اند. این دو متفکر در نقد اخلاقی اقتصاد اشتراکی به مؤلفه‌هایی چون نقض حقوق و آزادی فردی در سوسیالیسم و همچنین نابودی هویت فردی انسان در این نظریه می‌پردازند. در این پژوهش جمع‌آوری داده‌ها بر مبنای روش کتابخانه‌ای صورت گرفته و تلاش شده این داده‌ها تحلیل و ارزیابی شوند. یافته‌های این تحقیق نمایانگر این مطلب است که رند از منظری عمیق‌تر و فلسفی‌تر به نقد مبانی اخلاقی سوسیالیسم و نظریه اقتصاد اشتراکی می‌پردازد؛ حال آنکه هایک بیشتر به پیامدهای اخلاقی و اجتماعی این دیدگاه در جامعه توجه می‌کند.

کلیدواژه‌ها

اقتصاد اشتراکی، سوسیالیسم، دیگرگرایی، خودگرایی، آزادی، هویت فردی.

۱. استادیار گروه فلسفه دانشگاه زنجان، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).
rahamsharaf@yahoo.com
۲. استادیار گروه فلسفه دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
amir_jabbari@znu.ac.ir
۳. دانشجوی ارشد فلسفه اخلاق دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.
neda_yjc1993@yahoo.com

* شرف، رهام؛ جباری، امیر و لولویی، ندا. (۱۴۰۰). نقد نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی از منظر اخلاقی؛ بر مبنای تفکرات فردریش هایک و آین رند. فصلنامه علمی - پژوهشی نقد و نظر، ۲۶(۱۰۴)، صص ۱۲۹-۱۵۵.

Doi: 10.22081/jpt.2021.60054.1815



بسیاری از فیلسوفان اخلاق و سیاست بر این باورند که ارتباطی عمیق میان اخلاق، سیاست و اقتصاد وجود داشته و هر نظریه سیاسی ریشه در مبانی اخلاقی دارد.^۱ با توجه به این دیدگاه، چنانچه مبانی اخلاقی یک نظریه سیاسی متزلزل شود، آن نظریه از اعتبار ساقط خواهد شد. سوسیالیسم^۲ نیز به عنوان یکی از نظریات مهم و تأثیرگذار در حوزه سیاست و اقتصاد که موجب شکل گیری نظریه اقتصاد اشتراکی^۳ شده، از این قاعده مستثنا نیست و بر اساس نوعی اندیشه اخلاقی صورت بندی شده است.

با توجه به نظریه سوسیالیسم، حق مالکیت فردی رد و بر اقتصاد اشتراکی و تقدم جامعه بر فرد تأکید می شود (Rand, 1964a, p. 82). اگرچه این دیدگاه جایگاه گذشته خود را از دست داده است، در شرایط و برهه هایی که فاصله طبقاتی و اقتصادی میان مردم یک کشور زیاد می شود یا در شرایط فعلی شیوع بیماری کرونا در دنیا، این نظریه یا صورت های مشابه آن به عنوان یک گزینه مهم مطرح می شوند. هفته نامه انگلیسی اکونومیست با انتشار سرمقاله ای در رابطه با شیوع کرونا در آمریکا و انگلستان و آثار منفی آن در اقتصاد این کشورها، به حرکت سیاست های اقتصادی این کشورها به سمت بسته های حمایتی و توجه بیشتر به اقشار ضعیف تر جامعه پرداخت (The Economist, 2020).

بنابراین، با توجه به مطرح شدن مجدد سیاست های اقتصادی نزدیک به سوسیالیسم در شرایط کنونی جهان، نمی توان از نظریه اقتصاد اشتراکی به منزله دیدگاهی یاد کرد که پس از شکست شوروی، پرداختن به آن و نقد و بررسی اخلاقی آن از منظری اخلاقی ضرورت ندارد. در حقیقت، همانطور که سایر دیدگاه های سیاسی و اقتصادی در دوره های مختلف تاریخی با توجه به شرایط جهان مورد توجه قرار می گیرند، نظریه

۱. می توان به نظرات اندیشمندان قدیم و جدیدی همانند افلاطون، ارسطو، بنکدیت دو اسپینوزا، جان لاک، هابز، منتسکیو، ژان ژاک روسو و سایر اندیشمندان در این زمینه اشاره کرد.

2. socialism

3. sharing economy

اقتصاد اشتراکی نیز از این قاعده مستثنا نیست. آین رند^۱ و فردریش هایک^۲ دو متفکری هستند که به نقد مبانی اخلاقی نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی پرداخته‌اند. با توجه به اهمیت مسئله طرح مجدد صورت‌هایی از نظریه اقتصاد اشتراکی در جهان معاصر، این مقاله به تحلیل و نقد اخلاقی این نظریه از منظر اندیشه‌های رند و هایک می‌پردازد و تلاش می‌کند به این پرسش بنیادین پاسخی درخور بدهد که آیا در شرایط فعلی، اقتصاد سوسیالیستی می‌تواند کارآمد باشد.

وجه نوآورانه تحقیق پیش‌رو این است که در هیچ یک از مقالات مذکور و آثاری که به زبان فارسی منتشر شده، نقد اخلاقی نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی از منظر اندیشه‌های هایک و رند مورد توجه قرار نگرفته است؛ در حالی که این دو متفکر، دو تن از مهم‌ترین منتقدان نظریه اقتصاد اشتراکی در دوران جدید هستند. در این مقاله تلاش می‌کنیم ضمن گزارش نقدهای اخلاقی آنها به نظریه اقتصاد اشتراکی، به تطبیق دیدگاه آنها و ارزیابی نقدهایشان بپردازیم. همچنین هیچ مقاله یا کتاب انگلیسی مشاهده نشد که نقدهای اخلاقی هایک و رند بر نظریه اقتصاد اشتراکی را به‌نحو تطبیقی مورد توجه قرار داده باشد.

آین رند یکی از اندیشمندان مهم دوران معاصر است که در حوزه‌های مهم تفکر از جمله متافیزیک^۳، معرفت‌شناسی^۴، اخلاق و سیاست قلم‌فرسایی کرده است. مهم‌ترین اثر او اطلس شانه‌هایش را بالا انداخت^۵ نام دارد. این کتاب، یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌ها در حوزه تفکر اخلاقی، سیاسی و اقتصادی است. امروزه نیز این اثر، هم نزد مردم عادی جهان و هم میان اقشار دانشگاهی مورد توجه است (Younkins, 2007, pp. 1-2). لئورنارد پیکف^۶، یکی از مهم‌ترین شارحان رند، معتقد است که فلسفه وی زندگی

1. Ayn Rand
2. Friedrich Hayek
3. metaphysics
4. epistemology
5. *Atlas Shrugged*
6. Peikoff





هزاران نفر را تغییر داده و این ظرفیت را دارد که تحولی تاریخی را رقم بزند (Peikoff, 1993, Preface).

رند یکی از جدی‌ترین منتقدان نظریهٔ سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی بوده و در بیشتر آثار خود این انتقادات را بیان می‌کند (Rand, 1964a, pp. 82-83). رند پس از استناد به پیامدهای منفی نظریهٔ اقتصاد اشتراکی تلاش می‌کند زیرساخت‌ها و مبانی آن را مشخص کرده و به نقد و بررسی آنها پردازد. از نظر وی، ارتباطی عمیق میان سیاست و اخلاق وجود دارد و نظریهٔ سیاسی هر فرد برآمده از مقدمات و مبانی اخلاقی مورد پذیرش اوست (Harriman, 1999, p. 418). بر همین اساس، وی معتقد است مبنای نظریهٔ اقتصاد اشتراکی و سوسیالیسم، نظریهٔ دیگرگرایی اخلاقی^۱ است. رند مدافع خودگرایی اخلاقی^۲ است؛ اما پیش از طرح نظریهٔ خود، به نقد و بررسی نظریهٔ دیگرگرایی و نظام‌های سیاسی مبتنی بر آن می‌پردازد (Rand, 1964b, p. 6).

وی با توجه به تعریفی که از دیگرگرایی اخلاقی ارائه می‌دهد، معتقد است نظریهٔ سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی مبانی دیگرگرایانه دارد و به همین دلیل، در کشورهای مثل شوروی دولت افراد را فدای منافع جمعی می‌کند و ارزش‌های شخصی از کمترین اهمیت برخوردار است (Rand, 1964c, pp. 79-80). از نظر او بنیان‌گذاران این نظریه در پی چپاول مردم بودند؛ اما مفهوم پوشالی منفعت جمعی^۳ را به‌عنوان دستاویزی برای پیشبرد اهداف خود استفاده کردند (Rand, 1964a, pp. 83-84). با توجه به اینکه از نظر رند، نظریهٔ اقتصاد اشتراکی ریشه در دیگرگرایی دارد، وی تلاش می‌کند با نقد دیگرگرایی، مبانی اصلی این دیدگاه را مورد انتقاد قرار دهد.

فردریش آگوست فون هایک، مشهورترین اقتصاددان اتریشی و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۴ و در عین حال، یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان حوزهٔ اقتصاد و

1. altruism

2. egoism

3. collective interest

اندیشه سیاسی دوران معاصر است. او از لیبرالیسم^۱ و نظام بازار آزاد حمایت کرده و به نقد اندیشه‌های سوسیالیستی پرداخته است. میلتون فریدمن^۲ مدافع سرسخت اقتصاد بازار آزاد، هایک را «مهم‌ترین متفکر اجتماعی قرن بیستم» نامیده است (Fridman, 1962). بسیاری از نقدهای هایک بر نظریه اقتصاد اشتراکی، مبنای اخلاقی دارد؛ اگرچه همچون رند به گونه‌ای نظام‌مند مبنای اخلاقی دیگرگرایانه این نظریه را مورد توجه قرار نداده و بیشتر به پیامدهای حاکمیت این دیدگاه در جامعه توجه می‌کند. رند پایه‌گذاران سوسیالیسم و اقتصاد اشتراکی را گرگی در قالب میش می‌داند؛ اما هایک چنین دیدگاهی را نمی‌پذیرد و بر خیربودن نیت بنیان‌گذاران این دیدگاه، در عین جهل آنها به پیامدهای منفی این نظریه تأکید می‌کند.

هایک در رابطه با نقد نظریه اقتصاد اشتراکی، مسیر فون میزس^۳ را ادامه می‌دهد. فون میزس مقاله‌ای را در رد سوسیالیسم منتشر کرد که بعدها به «محاسبه اقتصادی در جوامع مشترک المنافع سوسیالیستی»^۴ معروف شد (Von Mises, 1990). پس از مرگ فون میزس، هایک این مباحثات را ادامه می‌دهد. در سوی دیگر، آلک نوو^۵ پس از اسکار لانگه، نقدهای دقیق و اصولی هایک را با تغییراتی در مبنای فکری سوسیالیسم، تحت عنوان «بازارها و سوسیالیسم» پاسخ می‌دهد (Stephanson, 1985; Nove & Thatcher, 1994).

هایک معتقد است نظریه پردازان نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی به دنبال تأسیس جامعه‌ای اخلاقی و آرمانی بودند؛ اما برنامه‌ریزی دولت در حوزه اقتصاد در جهت منفعت و خیر جمعی، منجر به دیکتاتوری^۶ و افزایش زور و فشار بر مردم شد (هایک، ۱۳۹۰، ص ۱۴). در حقیقت، از نظر او نظریه پردازان سوسیالیست هدفی مثبت داشتند؛ اما از راهکار مناسبی برای تحقق این هدف استفاده نکردند.

1. liberalism
2. Milton Friedman
3. Ludwig Von Mises
4. Economic Calculation in The Socialist Commonwealth
5. Alec Nove
6. dictatorship



۱. جذابیت اقتصاد اشتراکی

از نظر رند، با توجه به اینکه نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی نظریه‌ای دیگرگراست، باید ریشه‌ی جذابۀ آن را در جذابۀ دیگرگرایی جستجو کرد. وی معتقد است از نظر دیگرگرایان، اگر دیگران و ارزش‌های آنها را بر خودمان و ارزش‌هایمان اولویت دهیم، نوع دوستی، محبت و عشق میان آنها حاکم می‌شود؛ اما در عمل، نظام‌های سیاسی همچون سوسیالیسم که از اصول دیگرگرایی پیروی می‌کردند نه تنها عشق و محبت را در میان انسان‌ها حاکم نکردند، بلکه در نهایت به احساس شرم و انزجار میان انسان‌ها منجر شدند (Harriman, 1999, p. 299). در حقیقت، از نظر رند، دیگرگرایی انسان را به عنوان موجودی قربانی مورد ملاحظه قرار می‌دهد و در چنین شرایطی، نیک‌خواهی و محبت امکان‌پذیر نیست؛ چرا که تنها در صورتی می‌توان از محبت میان انسان‌ها سخن گفت که حق اخلاقی آنها برای دنبال کردن اهداف، آرمان‌ها و منافع فردی‌شان مورد ملاحظه قرار گیرد؛ چیزی که در دیگرگرایی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

هایک معتقد است سوسیالیست‌ها با وعده آزادی، عدالت اجتماعی و خیر عمومی، آن را وسیله‌ای برای تبلیغات خود ساختند و آزادی را به نام خود زدند. استفاده از همین مفهوم جدید آزادی بود که باعث جذب لیبرالیست‌ها به سمت آنها شد. گرچه آزادی‌ای که سوسیالیست‌ها وعده داده بودند با آزادی مورد نظر لیبرالیست‌ها متفاوت است، ولی زیر چتر مفهوم آزادی به مقبولیت عمومی دست یافتند. طرفداران سوسیالیسم معتقد بودند که برنامه‌ریزی متمرکز و اقتصاد اشتراکی، نیازها و خواسته‌های مردم را با کارایی بیشتر و ضایعات کم‌تر برآورده می‌کند؛ اما هایک معتقد بود این فرضیه چیزی جز آرمان‌گرایی ذهنی نیست (هایک، ۱۳۹۰، ص ۲۶۳)؛ بنابراین، از نظر هایک، استفاده از مفهوم آزادی دلیل اصلی جذابیت نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی بود، در حدی که حتی برخی طیف‌های لیبرالیست نیز جذب آن شدند (Hayek, 1976). در حالی که آین رند معتقد است شعار رواج محبت و نوع دوستی میان انسان‌ها، علت اصلی اقبال نظریه اقتصاد اشتراکی در میان مردم بود، از نظر هایک، دلیل اصلی تمایل به سوسیالیسم و اقتصاد اشتراکی، وعده آزادی از سوی بنیان‌گذاران این دیدگاه بود. اما هر دو متفکر بر این



نظر
صدر

باورند که نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی در مقام عمل نتوانست به تحقق وعده‌های خود بینجامد؛ زیرا در جوامعی که این نظریه پیاده شد آزادی، محبت و نوع‌دوستی در آن جامعه رواج پیدا نکرد.

۲. نقد مبانی اخلاقی اقتصاد اشتراکی

در این بخش به بیان نقدهای اخلاقی رند و هایک بر نظریه اقتصاد اشتراکی می‌پردازیم و در بخش آخر مقاله این نقدها را تحلیل و بررسی می‌کنیم.

۲-۱. نابودی حقوق فردی

از نظر رند، حق مفهومی اخلاقی است که اصول اخلاقی فردی را به حوزه اجتماعی و روابط بین فردی انتقال می‌دهد. همچنین حقوق، بین اخلاق و سیاست ارتباط ایجاد می‌کند. با توجه به اینکه رند از نظریه اخلاقی خود گرایانه و در عین حال فردگرایانه دفاع می‌کند، سرچشمه همه ارزش‌های اخلاقی و در نتیجه سرچشمه همه حقوق فردی^۱ را حق حیات برای هر فرد می‌داند (Rand, 1964d, pp. 88-89). وی معتقد است بهره‌مندی از حقوق فردی، زمینه را فراهم می‌کند تا بتوانیم بر اساس سرشت انسانی خود عمل کرده و از این طریق هستی خود را حفظ کنیم (Rand, 1964e, p. 953). از نظر رند، هدف دولت باید محافظت از حقوق فردی و حیات هر فرد باشد (Rand, 1964f, p. 29). با توجه به محوریت حقوق فردی در عملکرد دولت، رند معتقد است دولت قانون‌گذار^۲ نیست، بلکه خدمتگزار^۳ شهروندان است. همچنین، دولت به غیر از حقوقی که شهروندان با توجه به هدف دفاع از حقوق فردی خود به دولت داده‌اند، حق دیگری ندارد (Rand, 1964g, pp. 104-105).

رند معتقد است تأکید نظام‌های سیاسی سوسیالیستی بر اقتصاد اشتراکی، به نقض

1. individual rights
2. ruler
3. servant





حقوق فردی منجر می‌شود؛ زیرا در این نظام‌ها فرد و منافع او به حاشیه می‌روند و قربانی منافع جمع می‌شوند (Rand, 1964d, pp. 88). از نظر او در تمامی کشورهایی که اقتصاد اشتراکی^۱ وجود دارد، افراد هیچ حقی ندارند و زندگی و منافع آنها به گروه و جمع تعلق دارد و ممکن است جامعه، منافع آنها را برای اهداف جامعه و گروه قربانی کند (Rand, 1964h, p. 122). همچنین رند معتقد است وجود جامعه و حقوق جمعی در کنار حقوق فردی، پیش‌فرض غلط دیگرگرایی اخلاقی است که در سوسیالیسم نیز پذیرفته شده است (Rand, 1964d, p. 88). حال با توجه به اینکه در کشورهایی که بر اساس نظریه اقتصاد اشتراکی اداره می‌شوند، حقوق فردی نقض می‌شود و از طرفی حقوق فردی مقوله‌ای اخلاقی است، رند نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی را نظریه‌ای غیراخلاقی می‌داند.

هایک نیز متفکری فردگراست و معتقد است نظریه اقتصاد اشتراکی کاملاً ضد فردگرایی است؛ چرا که رقابت میان افراد جامعه را از بین می‌برد (هایک، ۱۳۹۳، ص ۸۲). از نظر او این دیدگاه نوعی اخلاق جمعی و قبیله‌ای را تأیید می‌کند (غنی‌نژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۴۷). هایک آنچنان سوسیالیسم را ضد فردگرایی و حقوق فردی می‌داند که معتقد است این دیدگاه مروج شکل جدیدی از بردگی است (هایک، ۱۳۹۰، ص ۵۸). تئودور بورزاک^۲ سوسیالیستی است که نقدهای هایک را بر دیدگاه جمع‌گرایانه، تمرکزگرایی و برنامه‌ریزی مرکزی بررسی کرده و در کتاب معروف خود سوسیالیسم بعد هایک^۳ مدعی می‌شود که نقد هایک کاملاً درست بوده است. از نظر او اگر بنا باشد عقلانیت اقتصادی، کارایی و هماهنگی در سیستم برقرار باشد، نمی‌توان مقوله‌های مهم نظام بازار آزاد از جمله مکانیسم نظام قیمت‌ها، مالکیت خصوصی و نفع شخصی که مد نظر هایک بوده است را کنار گذاشت (Burczak, 2006). هایک نظم موجود در بازار را نظم انتزاعی می‌داند که در وهله نخست برای انسان، محسوس و قابل درک نیست و فقط با قدرت

1. shared economy

2. Theodore A. Burczak

3. *Socialism after Hayek*

تفکر و استنتاج می‌توان به وجود چنین نظامی پی برد. هایک این نظم را به نظم موجود در یک بازی تشبیه می‌کند که تنها با رعایت قواعد خاص آن بازی می‌تواند به وجود آید (Hayek, 1973). بازار از دیدگاه او دو کارکرد بسیار مهم و در عین حال به هم پیوسته دارد: یکی نظام اطلاع‌رسانی، ایجاد وحدت و انسجام میان فعالیت‌های پراکنده اقتصادی و دیگری اسلوب اکتشاف؛ یعنی نظامی برای پیدا کردن بهترین گزینه‌ها (Hayek, 1976). هایک معتقد است که نظام قیمت‌ها از نوع نظم‌های خودجوش است (همانند زبان) که انسان‌ها پیش از آن که ساختار آن را درک کنند، استفاده از آن را یاد گرفته‌اند (غنی‌نژاد، ۱۳۷۶، صص ۲۱۷-۲۱۸). وی در کتاب قانون، قانون‌گذاری و آزادی: قواعد و نظم چارچوب حقوقی مورد نیاز برای حمایت از ساختار ظریف نظم اجتماعی لیبرال را مطرح و به مفهوم نظم، نظم‌های خودجوش در طبیعت و جامعه مانند زبان، قواعد حقوقی و بازار و خاصیت‌های متمایز نظم‌های خودجوش اشاره می‌کند. از نظر او بازار نیز دارای نظم خودجوشی است که مبتنی بر انتخاب‌ها و به‌خصوص تصمیمات آزادانه فردی در سایه لیبرالیسم^۱ است (Hayek, 1979). بنابراین، با توجه به اینکه از نظر هایک دیدگاه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی در تقابل با حقوق فردی است و به بردگی انسان‌ها می‌انجامد، این نظریه را می‌توان غیر اخلاقی قلمداد کرد.

رند و هایک از حق آزادی فردی و حق مالکیت شخصی به‌عنوان مهم‌ترین حقوق فردی یاد می‌کنند و معتقدند که این حقوق در نظریه اقتصاد اشتراکی نابود می‌شوند.

۱-۱-۲. اضمحلال آزادی انسان

از نظر رند، چون حفظ حیات وظیفه اخلاقی انسان است، آدمی حق دارد از حیات خود محافظت و در جهت شکوفایی آن کوشش کند. اما از طرفی تحقق این مهم از طریق نوعی داوری عقلانی و انتخاب میان اعمال متضاد امکان‌پذیر است. بنابراین، برای محافظت از حیات و ارتقای آن لازم است انسان آزاد باشد و این آزادی، حقی اخلاقی

1. liberalism





است (Rand, 1964b, pp. 153-154). از نظر او، محدود کردن آزادی انسان‌ها، بی‌توجهی به حق حیات آنهاست. او شوروی را به دلیل حاکمیت نظام سوسیالیستی در آن نمونه بارز جامعه ضد آزادی می‌داند (Rand, 1964g, p. 102). از نظر رند، در جوامعی که بر اساس اقتصاد اشتراکی اداره می‌شوند، دولت از طریق برنامه‌ریزی برای انسان‌ها در جهت اهداف جمعی، نه تنها آزادی آنها را نقض می‌کند، بلکه با اندیشیدن به جای انسان‌ها، از آنها موجوداتی منفعل ساخته و در نهایت دیکتاتوری را در کشور حاکم می‌کند (Peikoff, 1993, pp. 382-383). رند رأی‌گیری برای استقرار دولتی سوسیالیست که بر مبنای اقتصاد اشتراکی اداره می‌شود را نیز غیر اخلاقی می‌داند؛ زیرا رأی‌دادن مردم به دولت سوسیال به معنای نقض آزادی فردی توسط دولت است (Rand, 1964c, p. 99). اما نقض آزادی فردی با توجه به ارتباط عمیقی که رند میان آزادی و ارزش‌های اخلاقی برقرار می‌کند، نقض اخلاق است؛ به همین دلیل از نظر او دولت‌های سوسیال غیر اخلاقی هستند.

هایک نیز در کتاب ضد سوسیالیستی خود با عنوان راه بردگی^۱ بر دفاع از آزادی به عنوان بنیادی‌ترین ارزش لیبرالیسم در مقابل سوسیالیسم و نظریه اقتصاد اشتراکی تأکید کرده و علت سقوط کشورهای هم‌چون آلمان و ایتالیا در جنگ جهانی دوم را گرفتاری در اندیشه‌های سوسیالیستی و برنامه‌ریزی مرکزی آن می‌داند. او بر این باور است که این عقاید نه تنها به عدالت و امنیت بیشتر منجر نمی‌شود، بلکه به علت سلب آزادی‌های فردی به توتالیتریزم^۲ منتهی می‌شود و افراد جامعه را به سمتی می‌کشاند که در نهایت فرد باید به عنوان برده دولت به زندگی ادامه دهد. از نظر هایک، بنیادی‌ترین دلیل برای شکست اقتصاد اشتراکی سوسیالیستی، این است که اقتصاد نمی‌تواند جمعی شود. به باور هایک، تنها راه رسیدن به تمدن، رفاه و آزادی از مسیر آزادی اقتصادی می‌گذرد و هر راهی غیر از این به بردگی انسان‌ها می‌انجامد (هایک، ۱۳۹۰).

1. *The Road to Serfdom*

2. totalitarianism

هایک معتقد است دموکراسی وسیله و روش مناسبی برای حفظ صلح داخلی و آزادی فردی است. از این رو، به هیچ وجه نمی‌توان آن را غیرقابل مناقشه دانست؛ بنابراین، دموکراسی تنها زمانی ارزشمند است که به تحقق آزادی فردی به منزله اصلی اخلاقی کمک کند. هایک در توصیف آنچه او دموکراسی حقیقی (توأم با آزادی) می‌نامد و تفاوت آن با آنچه به غلط، دموکراسی تصور می‌شود، معتقد است اصل دموکراتیک مبنی بر این که هیچ کس نباید قدرت خود را به مردم تحمیل کند، بدین صورت تعبیر می‌شود که هیچ کس نباید خود را از تحت قدرت مردم بودن خلاص کند یا از آن طفره رود. اصل دموکراتیک مبنی بر این که مردم را نباید وادار به انجام کاری کرد که مایل به آن نیستند، بدین صورت تعبیر می‌شود که مردم آنچه را دوست ندارند تحمل نمی‌کنند (غنی‌نژاد، ۱۳۸۱، صص ۲۵-۲۶).

هایک بر این باور است که سوسیالیسم و نظریه اقتصاد اشتراکی برآمده از آن در عمل به تحقق آزادی کمک نکرد؛ بلکه به نقض آن، دیکتاتوری و جنگ‌های داخلی منجر شد (Chanberlain, 1937, pp. 202-203). از نظر او، ثروت و رشد در جوامع آزاد ایجاد می‌شود. زمانی که دولت، افراد جامعه را در جهت اهداف جمعی برنامه‌ریزی می‌کند، همه به کارمند تبدیل می‌شوند و چون کارمندان دولت حقوق ثابتی دریافت می‌کنند، برایشان اهمیت ندارد کیفیت کار چگونه باشد. پس نظم سازمان‌دهی شده نمی‌تواند کارآمد باشد؛ چراکه انگیزه، خلاقیت و حس رقابت را از بین می‌برد (باتلر، ۱۳۸۷، ص ۱). هایک معتقد است در جوامع سوسیالیستی برنامه‌ریزی شده در جهت اهداف جمعی، آزادی مسافرت و مهاجرت نیز تأمین نمی‌شود؛ زیرا وسایل ارتباطی و پول‌های در گردش، کنترل می‌شود. همچنین هیچ تضمینی برای آزادی بیان وجود ندارد؛ زیرا دولت تلاش می‌کند باورها و عقاید انسان‌ها را هم کنترل کند (هایک، ۱۳۹۰، ص ۱۳۵).

در نهایت از نظر هایک، در واقع هیچ‌گونه آزادی فکری در جوامعی که بر مبنای سوسیالیسم و اقتصاد اشتراکی اداره می‌شوند وجود ندارد؛ زیرا عقاید و سلايق مردم از طریق تبلیغات و سایر عوامل محیطی که به‌طور اجتناب‌ناپذیری تفکر افراد را به‌طرف عادات روزمره و قدیمی سوق می‌دهند، شکل می‌گیرد و این مسئله موجب می‌شود





حکومت بتواند باورهای مردم را در جهتی که برایش کارآمد است هدایت کند (هایک، ۱۳۹۰، صص ۲۰۷-۲۱۷). بنابراین از نظر هایک، سازماندهی کردن افکار عمومی که بر اثر نقض آزادی فردی افراد ایجاد شده امری غیر اخلاقی است و کشورهایی که بر مبنای اقتصاد اشتراکی اداره می‌شوند، علاوه بر نقض آزادی فردی انسان‌ها در حوزه اقتصاد، امکان اندیشه‌ورزی آزادانه را نیز از انسان‌ها سلب کرده و از این منظر، یکی دیگر از حقوق انسانی آدمی را تضییع می‌کنند که این مسئله نیز فی‌نفسه امری غیر اخلاقی است.

۲-۱-۲. تضییع حق مالکیت

رند در کنار حق آزادی از حق دیگری با عنوان حق مالکیت^۱ یاد می‌کند. از نظر او در جوامع آزاد، مالکیت فردی از طریق کوشش منحصر به فرد انسانی به دست می‌آید و از این منظر حق مالکیت، وجه مهمی از حیات انسانی را متجلی می‌کند (Rand, 1967, p. 15). از طرف دیگر، رند معتقد است با وجود اینکه منافع مالی باید از طریق تفکر خلاق فردی به دست بیایند و به نوعی اندیشه خلاقانه بر مسائل مادی مقدم است، ولی آدمی برای حفظ حیات و ارتقای نحوه زیست خود، محتاج منافع مادی بوده و بر همین مبنای یکی از اصلی‌ترین حقوق آدمی، حق مالکیت است (Rand, 1964b, p. 154). در حقیقت، اخلاقی بودن حق مالکیت بر مبنای ارتباطی که با حق حیات انسان دارد مشخص می‌شود. بنابراین، هر نظام سیاسی و اقتصادی که به نقض حق مالکیت فردی منجر شود غیر اخلاقی است.

رند معتقد است در جوامعی که بر مبنای اقتصاد اشتراکی اداره می‌شوند، مردم برای به دست آوردن ارزش‌ها آزادی عمل ندارند و ناگزیرند اهداف و منافع جمعی را دنبال کنند؛ در نتیجه محصول مادی تلاش‌شان که در حقیقت نمایانگر اندیشه‌های خلاق آنها نیز می‌باشد، توسط دولت مصادره می‌شود (Rand, 1964c, p. 77). بر همین اساس، مالکیت فردی فدای مفهوم انتزاعی حقوق جمعی می‌شود. از نظر رند، چون در اقتصاد اشتراکی

1. property right

سوسیالیستی، حق مالکیت فردی نادیده گرفته می‌شود، در دولت‌های سوسیالیست خود انسان تبدیل به دارایی دولت می‌شود (Rand, 1964a, p. 87). در واقع، چون رند معتقد است تحقق حیات انسان از طریق آزادی عمل و مالکیت فردی میسر می‌شود و از طرفی در سوسیالیسم این حقوق نقض می‌شود و انسان در خدمت اهداف جمعی قرار می‌گیرد، پس در جوامعی که بر مبنای اقتصاد اشتراکی اداره می‌شوند، انسان با دور شدن از حقیقت خود، منفعل شده و به یکی از دارایی‌های دولت تبدیل می‌شود. از نظر او، انسان زمانی می‌تواند به معنای واقعی کلمه انسان باشد که آزادانه بیندیشد، خلاقیت داشته باشد و با خلق منافع مادی از محصول اندیشه‌های خلاقانه خویش بهره‌مند شود؛ اما در شرایطی که این حقوق از آدمی سلب می‌شوند، تفاوتی با شیء ندارد و صرفاً ابزاری در خدمت اهداف حکومت‌هایی است که منافع مادی او را به اسم امری توهمی به نام نفع جمعی قربانی می‌کنند.

همچنین، رند معتقد است نادیده گرفتن حق مالکیت فردی نوعی بی‌عدالتی است که از نظر اخلاقی مذموم است؛ زیرا مالکیت امری است فردی که باید از طریق تلاش آزادانه خود فرد به دست بیاید، نه اینکه محصول تلاش انسان‌های کوشا و نخبه میان اکثر انسان‌ها تقسیم شود (Rand, 1964g, p. 102). در حقیقت، در یک نظام اقتصادی اشتراکی که بر پایه دیگرگرایی شکل گرفته، هر فرد باید منافع و ارزش‌هایش را فدای دیگری کند. در چنین شرایطی حقوق افرادی که با استعدادتر بوده و تلاش بیشتری می‌کنند پایمال می‌شود؛ زیرا محصول تلاش‌شان به کسانی خواهد رسید که اهل کوشش و تلاش نیستند. در چنین جامعه‌ای افراد با استعداد و توانمند سرخورده می‌شوند؛ زیرا می‌دانند هر چه تلاش کنند و هر منفعتی که به دست بیاورند فدای جمع می‌شود و هیچ‌گاه حاصل تلاش‌شان از آن خودشان نخواهد شد. از سوی دیگر، نظریه اقتصاد اشتراکی حتی می‌تواند به عدم تحرک و عدم بروز و ظهور ظرفیت‌های نخبگان در جامعه بینجامد. جوانی که در ابتدای راه است و در جامعه‌ای که بر اساس اقتصاد اشتراکی اداره می‌شود زندگی می‌کند، وقتی می‌بیند نخبگان و افراد کوشای جامعه وضعیتی مشابه با افراد کم‌تلاش و منفعل دارند،





انگیزه‌ای برای تلاش و متجلی ساختن ظرفیت‌های وجودی خود ندارد و ترجیح می‌دهد وقت و انرژی خود را صرف اندیشه‌های خلاق نکند؛ چراکه باید آنها را فدای دیگران کند.

هایک یکی از بزرگ‌ترین مدافعان حق مالکیت فردی در قرن بیستم است. وی ضمن رد نظریهٔ سوسیالیست‌ها در مورد اقتصاد اشتراکی و مالکیت جمعی، در اثر خود به نام بنیان آزادی،^۱ یک منشور نمونه برای مهار دولت و مالکیت آن ارائه داده و حق مالکیت فردی را به‌عنوان اصلی‌ترین مشوق برای انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی بیان می‌کند.

از نظر هایک، دخالت دولت در جامعه حق مالکیت افراد را نیز از بین می‌برد. وی نیز همچون جان لاک معتقد است جایی که مالکیت وجود ندارد، عدالت نیز غایب است (غنی‌نژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹)؛ بنابراین، چون در جوامعی که بر اساس اقتصاد اشتراکی اداره می‌شوند، همهٔ مردم توسط دولت در جهت اهداف جمعی برنامه‌ریزی می‌شوند و آزادی فردی آنها از بین می‌رود، امکان هر گونه مالکیت فردی در این جوامع از میان می‌رود و در نتیجه امکان برقراری عدالت در این جوامع وجود ندارد. بنابراین از نظر هایک، اولاً در مقام عمل نمی‌توانیم نظریهٔ اقتصاد اشتراکی را در جامعه پیاده کنیم و انسان‌ها را از حق مالکیت فردی محروم کنیم و ثانیاً به فرض که چنین چیزی امکان‌پذیر باشد، از آنجا که نادیده گرفتن حق مالکیت فردی غیر عادلانه است، نظریهٔ اقتصاد اشتراکی با معیارهای اخلاق و عدالت سازگار نیست. در حقیقت، هایک معتقد است بنیان‌گذاران نظریهٔ اقتصاد اشتراکی و سوسیالیسم، تصویری نادرست از مفهوم عدالت داشته‌اند؛ چرا که این مفهوم را با مساوات یکی گرفته‌اند و از این منظر، شایستگی‌های فردی انسان‌ها که مقوله‌ای مهم در تحلیل و پیاده‌سازی مفهوم عدالت در جامعه است را نادیده گرفته‌اند و به همین دلیل، به جای عدالت باعث ترویج بی‌عدالتی در جامعه شده‌اند.

1. *The Constitution of Liberty*

۲-۲. اضمحلال هویت فردی

هویت فردی و تشخیص یکی از پایه‌های مهم اخلاق است؛ زیرا اختیار انسان که پیش فرض اصلی وقوع عمل اخلاقی و زیرساخت لازم جهت بروز فضایل اخلاقی است، تنها زمانی معنادار است که تمایز هر فرد از افراد دیگر مشخص بوده و انسان به عنوان موجودی تعریف نشود که برای تبیین ماهیت او صرفاً به جامعه استناد شود. حتی اگر در جامعه‌ای که بر اساس اقتصاد اشتراکی و معیارهای سوسیالیسم اداره می‌شود، مختار بودن انسان جهت تبیین عمل اخلاقی او پذیرفته شود، این اختیار نقشی در شکل‌گیری هویت فردی آدمی نخواهد داشت؛ چرا که در چنین جامعه‌ای اختیار نیز ابزاری در خدمت تکوین هویت جمعی است و هر چه بیشتر به اضمحلال هویت فردی انسان کمک می‌کند.

با توجه به همین مطلب، رند معتقد است از آنجا که در جوامعی که بر اساس اقتصاد اشتراکی اداره می‌شوند، فرد و ارزش‌های مادی و معنوی او فدای ارزش‌های جمعی می‌شود، در این جوامع چیزی از فرد باقی نمی‌ماند. از نظر او، وضعیت ایده‌آل به لحاظ اخلاقی این است که هر فرد ارزش‌ها، اهداف و آرمان‌های متمایزی دارد که مجموعه شخصیت او را می‌سازند و بر همین اساس، هر فرد از فرد دیگر متمایز می‌شود (Rand, 1964c, p. 79). اما چون در سوسیالیسم و نظام‌های اقتصادی و سیاسی‌ای که بر پایه دیگرگرایی و حقوق جمعی شکل گرفته‌اند، هر فرد باید برای ارتقای خیر جمعی و خوشبختی دیگران تلاش کند و ارزش‌ها و آرمان‌های خود را فدای دیگران کند، هویت شخصی او مضمحل خواهد شد. در چنین شرایطی فرد به معنای واقعی کلمه وجود ندارد تا موضوع داوری اخلاقی باشد؛ چرا که فرد از طریق قربانی کردن ارزش‌ها و آرمان‌هایش برای دیگران دچار از خودبیگانگی^۱ شده و در چنین وضعیتی تمایز افراد از یکدیگر در برخی شرایط امکان‌پذیر نیست. وقتی مالکیت فردی وجود نداشته باشد و هر چه به دست می‌آوریم را فدای منفعت دیگران می‌کنیم، به تدریج از خود حقیقی مان





فاصله می‌گیریم؛ زیرا همانطور که بیان شد از نظر رند، منافع مادی محصول اندیشه‌های خلاقانهٔ انسان است و به‌نوعی بروز و ظهور انسانیت و تفرد اوست.

از نظر رند، به‌دلیل نگرش دیگرگرایانه‌ای که مبنای نظریهٔ اقتصاد اشتراکی است، امکان ساده‌ترین تمایزهای اخلاقی میان انسان‌ها وجود ندارد؛ به‌عنوان نمونه از منظر دیگرگرایی هیچ تفاوت اخلاقی میان تاجر موفق که صرفاً بر اساس منفعت خود عمل می‌کند و یک سارق بانک وجود ندارد؛ زیرا هر دوی آنها بر مبنای فردگرایی عمل می‌کنند. این در حالی است که سارق بانک در تشخیص آنچه مصلحت او می‌باشد خطا کرده؛ حال آنکه تاجر موفق درک صحیحی از خیر خود داشته و همین مسئله سبب شده تا این دو نفر هویت‌های متفاوتی داشته باشند (Rand, 1964b, pp. 6-7). پر واضح است که چنین چیزی با شهودات عام اخلاقی ما سازگار نیست؛ چرا که به‌وضوح میان سارق و تاجر موفق قائل به تفاوتی عمیق هستیم. اما چون دیگرگرایی و نظریهٔ اقتصاد اشتراکی که بر مبنای آن شکل گرفته، اخلاقی بودن عمل را صرفاً بر مبنای فداکردن منافع برای دیگران تعریف می‌کند، نمی‌تواند چنین تمایزی را تبیین کند.

هایک نیز معتقد است در جوامعی که بر مبنای اقتصاد اشتراکی مدیریت می‌شوند، آزادی فردی نابود شده و آرمان‌های جمعی، آرمان‌های فردی را در خود هضم می‌کند. هایک یکی از شالوده‌های آرمان‌های جمعی سوسیالیست‌ها را در قالب عدالت اجتماعی به شدت نقد کرده و در کتاب سراب عدالت اجتماعی^۱ آن را از ویژگی‌های نادرست جامعه قبیله‌ای در نظر گرفته و سخن از آن را در دوران مدرن، تحمیل قواعد جامعه قبیله‌ای به جامعه مدرن قلمداد می‌کند. تمام سعی هایک در این کتاب، زدودن قداست مفهوم عدالت اجتماعی مطرح شده توسط سوسیالیست‌ها و نظریهٔ اقتصاد اشتراکی است؛ به‌طوری که در کتاب خود از آن با عنوان سراب نام برده و معتقد است به اضمحلال و از میان رفتن هویت فردی منجر می‌شود.

هایک معتقد است از آنجا که انسان‌ها ارزش‌ها و توانمندی‌های همسانی ندارند،

1. *The Mirage of Social Justice*

برنامه‌ریزی آنها در جهت ارزش‌های جمعی و مجبور کردن آنها به هم‌رنگ جماعت شدن، تنها از طریق زور و فشار انجام می‌شود (هایک، ۱۳۹۰، ص ۸۲)؛ زیرا لازمه برنامه‌ریزی اقتصادی در جهت اهداف جمعی این است که افراد را مجبور کنیم در راستای ارزش‌های مشترکی حرکت کنند.

از نظر هایک با هدف مشترکی که جامعه سوسیالیسم به‌خاطر آن سازمان‌دهی می‌شود، نمی‌توان خیر عمومی انسان‌ها را سنجید؛ زیرا خیر آنها با توجه به توانمندی‌ها و استعداد‌هایشان متکثر بوده و با یک معیار کلی قابل سنجش و تحقیق نیست. فرضیه سوسیالیسم این است که یک ضابطه اخلاقی وجود دارد که بر اساس آن همه ارزش‌های متفاوت بشری تبیین شده و جایگاه خود را می‌یابند. اما هایک وجود چنین ضابطه‌ای را رد می‌کند (هایک، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷). بنابراین از نظر هایک، نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی از طریق نقض آزادی فردی و برنامه‌ریزی افراد در جهت اهداف برنامه‌ریزی شده، فرصت شکوفایی استعداد‌های فردی را از انسان‌ها گرفته و ارزش‌های فردی را فدای برنامه‌های جمعی می‌کند. در چنین شرایطی، تشخیص و هویت فردی انسان‌ها نابود می‌شود که فی‌نفسه امری غیر اخلاقی است.

۳. تحلیل و ارزیابی

هایک و رند تلاش می‌کنند از منظری اخلاقی به نقد نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی پردازند و نادرستی این دیدگاه را با توجه به نقض زیرساخت‌های ارزش‌های اخلاقی در آن نتیجه بگیرند. از نظر هر دو متفکر، ارزش‌های اخلاقی ریشه در اصالت فرد و به رسمیت شناختن حقوق فردی دارد و هر نظریه سیاسی و اقتصادی که به نقض اصالت فرد و حقوق فردی منجر شود، غیر اخلاقی و مطرود است. هایک و رند هر دو معتقدند که در نظریه اقتصاد اشتراکی، حقوق فردی قربانی منافع جمعی می‌شود و بر همین مبنا، در این نظریه اصالت فرد نادیده گرفته شده و همه آرمان‌ها و ارزش‌های افراد فدای یک مفهوم پوشالی به نام جمع می‌شود. هر دو اندیشمند بر این باورند که سوسیالیسم در نهایت به نابودی هویت فردی می‌انجامد. با توجه به این نقدها هایک و رند نتیجه





می‌گیرند که نظریه اقتصاد اشتراکی، نظریه‌ای غیر اخلاقی بوده و از این منظر نادرست است. اما باید توجه داشت که رند در مقایسه با هایک تحلیلی فلسفی‌تر و زیرساختی‌تر از سوسیالیسم ارائه می‌دهد. ویژگی منحصر به فرد نقد اخلاقی رند بر سوسیالیسم در شناخت مبنای دیگر گرایانه این نظریه نهفته است. وی بر اساس پیوندی که میان اخلاق، اقتصاد و سیاست ایجاد می‌کند، معتقد است در پس هر نظریه سیاسی و اقتصادی، یک نظریه اخلاقی وجود دارد و بر همین مبنا، در جستجوی دیدگاه اخلاقی‌ای می‌رود که نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی را به وجود آورده است. رند دیگر گرایی اخلاقی را به عنوان مبنای شکل‌گیری این نظریه معرفی کرده و معتقد است رهبران سوسیالیست با شعارهای دیگر گرایانه، مردم را به سمت این دیدگاه جذب کردند. اما از نظر او، دیدگاه دیگر گرایانه در اخلاق نه تنها موجب گسترش محبت میان انسان‌ها نمی‌شود، بلکه تنفر و انزجار را نیز میان آنها افزایش می‌دهد. بنابراین از نظر رند، سوسیالیسم نوعی دیدگاه اخلاقی دیگر گراست که در سطح کلان مطرح شده و ساحت سیاست و اقتصاد را محدود کرده و اقتصاد اشتراکی را به عنوان یک نظریه اقتصادی کارآمد معرفی کرده است.

گرچه هایک به نقدهای اخلاقی وارد بر نظریه اقتصاد اشتراکی توجه دارد و در این مسئله که این دیدگاه به نقض حقوق فردی، هویت فردی و آزادی منجر می‌شود با رند هم‌رأی است، ولی پیوند میان سوسیالیسم و دیگر گرایی اخلاقی را مورد توجه قرار نمی‌دهد. در حقیقت، هایک بیشتر به پیامدهای غیر اخلاقی حاکمیت اقتصاد اشتراکی در جامعه می‌پردازد؛ حال آنکه رند علاوه بر این پیامدها، به مبانی و زیرساخت‌های شکل‌گیری سوسیالیسم و نظریه اقتصاد اشتراکی نیز توجه دارد.

نقدهای اخلاقی رند بر مبانی دیگر گرایانه نظریه اقتصاد اشتراکی، این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که وی بر اساس چه فرضیه و دیدگاهی دیگر گرایی را نقد می‌کند؟ برای پاسخ به این سؤال باید لایه‌های عمیق‌تر اندیشه رند و بنیاد نقدهای او بر دیگر گرایی اخلاقی را مورد توجه قرار دهیم.

رند طرفدار نظریه خود گرایی اخلاقی است و بر همین اساس مقولات حقوق فردی،

آزادی فردی و مالکیت را استخراج کرده و در نقد دیگرگرایی مورد استفاده قرار می‌دهد (گنسلر، ۱۳۹۰، ص ۳۲۴). صورت خام این نظریه بر مبنای تفکرات اپیکور شکل گرفته و خودگرایی لذت‌گرا نام دارد. بر اساس این نوع از خودگرایی، انسان در زندگی خود باید فقط به دنبال لذت باشد و لذت را مبنای زندگی قرار دهد (درايور، ۱۳۹۴، ص ۳۴). صورت دیگری از خودگرایی اخلاقی وجود دارد که خودگرایی عقلانی^۱ نامیده می‌شود. بر مبنای این دیدگاه خیر انسان خودخواه نه بر اساس لذت، بلکه بر مبنای عقلانیت تعیین می‌شود و موارد متعددی وجود دارد که لازم است برای دستیابی به خیر بلند مدت، لذت‌های آنی خود را قربانی کنیم (ادواردز، ۱۳۹۲، ص ۲۵۸). کاملاً محتمل است که یک فرد خودگرای عقلانی، تمام تلاش خود را برای اعتلای خیر دیگران به کار گیرد و حتی در مواردی از منافع خود گذر کند؛ زیرا معتقد است این کار در نهایت خیر او را افزایش خواهد داد (هولمز، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰). رند از خودگرایی عقلانی دفاع می‌کند و بر این باور است که امر عقلانی، امر اخلاقی نیز می‌باشد و با توجه به این نظریه، اصالت فرد و در نهایت رد دیگرگرایی را نتیجه می‌گیرد. در حقیقت از نظر او، دیگرگرایی اخلاقی دیدگاهی غیر عقلانی است و در تعارض با مبانی خودگرایی اخلاقی عقلانی قرار دارد؛ به همین دلیل او معتقد است هر نظریه اقتصاد اشتراکی که برآمده از مبانی دیگرگرایانه در حوزه اخلاق است، غیر عقلانی و غیر اخلاقی است. اما مبنای خودگرایانه اندیشه وی با چالش‌هایی جدی روبه‌روست که لازم است به آنها اشاره کنیم.

اولین مسئله این است که مدافعان خودگرایی اخلاقی در بسیاری از موارد برای اثبات دیدگاه خود به خودگرایی روان‌شناختی^۲ استناد می‌کنند. بر اساس این نظریه، سرشت انسان به گونه‌ای است که همواره نفع شخصی خود را دنبال می‌کند و به خیر دیگری اهمیت نمی‌دهد (فرانکنا، ۱۳۸۳، ص ۵۷). طرفداران خودگرایی روان‌شناختی معتقدند

1. rational egoism

2. psychological egoism





بسیاری از رفتارهایی که آنها را دیگرگرایانه می‌نامیم، تنها در ظاهر این گونه به نظر می‌رسند و تعمق در آنها خودمحوارانه بودنشان را اثبات می‌کند؛ به‌عنوان نمونه حتی فردی که جان خود را فدای مردم کشورش می‌کند، عملی خودخواهانه انجام می‌دهد؛ زیرا اگر این کار را انجام ندهد، دچار نوعی پوچی و عذاب وجدان در اثر بی‌تفاوتی به مردم کشورش خواهد شد (Shafer, 2010, p. 2). اما افرادی چون درک پارفیت معتقدند امیال غیرخودخواهانه‌ای در انسان وجود دارد که تعهد به وظایف اخلاقی را موجب شده و در برخی موارد در تعارض با امیال خودخواهانه قرار می‌گیرد. در این موارد ممکن است انسان امیال خودخواهانه خویش را فدای دیگری و وظایف اخلاقی خود کند (Parfit, 1987, pp. 110-111). از سوی دیگر، برخی اندیشمندان معتقدند مبنای خودگرایی اخلاقی، یعنی اصالت دادن به خود و به حاشیه راندن دیگری، غلط است. در حقیقت، رند بر این باور است که اگر بخواهیم دیگران را در اولویت قرار ندهیم و دیگرگرا نشویم، باید خود را محور اخلاق قرار دهیم. با این حال، می‌توان راهی میانه را برگزید و نظریه‌ای را پذیرفت که در حین ارج نهادن به خود، ارزش ذاتی انسان‌های دیگر را نیز بپذیریم (Rachels, 1998, p. 71). اما در نظریه خودگرایی اخلاقی، انسان‌های دیگر ابزاری در خدمت اهداف فردی خود هستند و ارزش ذاتی آنها مغفول می‌ماند (Boss, 2008, p. 261). بر همین اساس است که اگر فردی خودگرا باشیم، دوستی با انسان‌های دیگر نیز امکان‌پذیر نیست؛ زیرا دوستی متضمن در نظر گرفتن ارزش ذاتی برای دیگری است؛ و صرف نگاه منفعت‌طلبانه به دوست، رابطه دوستی را نابود می‌کند (Pojman, 2005, p. 29). بخش عمده‌ای از هویت فردی انسان به دیگران وابسته بوده و در تعامل با آنها ساخته می‌شود؛ به‌عنوان مثال فرهنگ، علم، تاریخ، هنر و حتی زبان که به‌شدت بر شکل‌گیری هویت فردی و خود ما اثر گذارند، در اثر تعامل با انسان‌های دیگر ساخته می‌شوند. بدون زبان ما نمی‌توانستیم صحبت کنیم؛ در نتیجه توانایی تفکر را نیز از دست می‌دادیم. بخش عمده‌ای از اعتقادات، علایق، آرزوها و ارزش‌های ما در ارتباطات اجتماعی به وجود می‌آیند. از سوی دیگر، حتی استقلال فردی ما تحت تأثیر دیگران است. استقلال در محیطی امکان‌پذیر است که حامی آن

باشد (Lafollette, 2007, p. 272). بنابراین، گرچه هایک و رند از مقولات حقوق فردی، آزادی فردی و مالکیت در جهت نقد اخلاقی سوسیالیسم به درستی استفاده کرده‌اند، ولی مبنای خودگرایانه و فردگرایانه اندیشه آنها با چالش جدی مواجه است. به نظر می‌آید در خصوص مسئله اولویت خود بر دیگری یا دیگری بر خود که مسئله اصلی خودگرایی و دیگرگرایی است، باید راهی میانه را پیش گرفت و در کنار پذیرش ارزش ذاتی خود، ارزش ذاتی دیگری نیز به رسمیت شناخته شود. حال آنکه نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی با توجه به مبنای دیگرگرایانه‌اش، ارزش ذاتی خود فرد را نادیده می‌گیرد و خودگرایی نیز از ارزش ذاتی افراد دیگر غافل شده و نگرشی ابزاری به آنها دارد.

اما در مجموع، بررسی نقدهای اخلاقی هایک و رند بر سوسیالیسم، مشکلات بنیادی این دیدگاه را از منظر اخلاقی آشکار می‌سازد. به نظر می‌آید اگر قرار است دیدگاهی سیاسی - اقتصادی در جامعه حاکم باشد، باید موجب افزایش وحدت و دوستی میان انسان‌ها شود تا بتواند کارکردهای مورد انتظار را داشته باشد. هر چند نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی در ظاهر ادعای گسترش محبت میان انسان‌ها را دارد، در عمل نمی‌تواند این مهم را محقق کند؛ چرا که مبنای دیگرگرایانه آن در نهایت به کاهش محبت و نوع دوستی میان انسان‌ها منجر خواهد شد. نقض حقوق فردی، آزادی و در نهایت اضمحلال هویت فردی، از دیگر پیامدهای غیراخلاقی اقتصاد اشتراکی است که مورد توجه هایک و رند قرار گرفته است. به نظر می‌آید در این مورد نیز حق با این دو متفکر است. مبنای دیگرگرایانه سوسیالیسم و اولویت حقوق جمعی در این دیدگاه، به یکدست شدن انسان‌ها، نخبه‌کشی، رشد انسان‌های میان‌مایه و در نهایت افول یک جامعه می‌انجامد. با توجه به زیرساخت دیگرگرایانه این نظریه، هم من باید ارزش‌ها و آرمان‌های خود را فدای دیگری کنم و هم دیگری باید چنین کند. در چنین شرایطی، افراد با استعداد، تلاشگر و نخبه متضرر می‌شوند و افراد میان‌مایه، تنبل و کم‌استعداد سود می‌برند؛ زیرا افراد نخبه چیزهای زیادی برای قربانی کردن دارند، حال آنکه میان‌مایه‌گان دستاورد چندانی ندارند. در چنین جامعه‌ای انسان‌ها انگیزه چندانی برای





رشد و پیشرفت ندارند؛ زیرا می‌دانند هر چه به دست می‌آورند باید فدای دیگران و جامعه کرده و در نهایت، همهٔ انسان‌ها مانند یکدیگر خواهند شد. بر همین مبنا، حاکمیت نظریهٔ اقتصاد اشتراکی در یک جامعه، به نابودی فردیت آدمی می‌انجامد.

نتیجه‌گیری

هایک و رند نقدهای اخلاقی مهمی را بر نظریهٔ سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی وارد می‌کنند که هر یک از آنها از اهمیت بالایی برخوردار است؛ اما با توجه به اندیشه‌های این دو متفکر، به نظر می‌آید مهم‌ترین نقد اخلاقی وارد بر این نظریه، از بین رفتن هویت، تشخیص و اصالت انسان‌ها است. سوسیالیسم با نقض حقوق فردی، آزادی و حق مالکیت فردی، حقوق جمعی را جایگزین حقوق فردی کرده و انسان‌ها را به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کند که مجبور باشند در جهت اهداف جمعی مشترک حرکت کرده و اهداف و آرمان‌های خود را فدای اهداف جمعی کنند. چنین ساختاری به انسان‌ها اجازه نمی‌دهد هویت فردی خود را محقق کنند؛ فرصت رشد و بالندگی را از آنها می‌گیرد و در نهایت، انسان‌ها را به موجوداتی یکدست، شبیه به هم و بدون تمایز بنیادی تبدیل می‌کند. این در حالی است که مهم‌ترین مقوله در اخلاق و پیش‌شرط تحقق آن، اختیار و آزادی عامل اخلاقی^۱ است. حال آنکه در جوامعی که بر اساس اقتصاد اشتراکی اداره می‌شوند، آزادی افراد نابود شده و انسان‌ها در جهت اهداف جمعی برنامه‌ریزی می‌شوند.

مسئلهٔ جاذبهٔ نظریهٔ اقتصاد اشتراکی نیز با توجه به نقدهای اخلاقی هایک و رند بر این نظریه حائز اهمیت است. همواره ممکن است در کشورهایی که با اقتصاد آزاد و به گونه‌ای دموکراتیک اداره می‌شوند، بروز فاصلهٔ طبقاتی زیاد و عدم توانایی حکومت در دفاع صحیح از حقوق فردی، یا در شرایط فعلی با توجه به شیوع جهانی بیماری کرونا، زمینه برای طرح و عملیاتی ساختن نظریات اقتصادی سوسیالیستی فراهم شود. در

1. moral agent

چنین شرایطی شعارهای دیگر گرایانه دیدگاه‌های سوسیالیستی همچون افزایش رفاه عمومی و گسترش محبت میان انسان‌ها می‌تواند فریبنده باشد. اما با توجه به نقدهای هایدک و رند بر نظریه سوسیالیستی اقتصاد اشتراکی، مشخص می‌شود که چنین شعارهایی صرفاً جاذبه‌های ظاهری این نظریه هستند؛ چرا که نه تنها به لحاظ نظری، مبنای اخلاقی دیگر گرایانه این نظریه اجازه گسترش محبت و نوع دوستی را نمی‌دهد، بلکه به لحاظ تاریخی نیز نظریه اقتصاد اشتراکی نتوانست رفاه، محبت و نوع دوستی را میان انسان‌ها افزایش دهد. بنابراین، طرح دیدگاه‌های سوسیالیستی در یک جامعه هنگام بروز مشکلات اقتصادی و سیاسی نه تنها راهگشا نیست، بلکه از چاله به چاه افتادن است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع

۱. ادواردز، پل. (۱۳۹۲). دانشنامه فلسفه اخلاق (مترجم: انشاءالله رحمتی). تهران: نشر سوفیا.
۲. باتلر، ایول. (۱۳۸۷). اندیشه‌های سیاسی و اقتصادی هایک (مترجم: فریدون تفضلی). تهران: نشر نی.
۳. درایور، جولیا. (۱۳۹۴). پیامدگرایی (مترجمان: بیک حرفه، شیرزاد). تهران: نشر حکمت.
۴. غنی‌نژاد، موسی. (۱۳۷۶). معرفت‌شناسی علم اقتصاد. تهران: مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
۵. غنی‌نژاد، موسی. (۱۳۸۱). درباره هایک. تهران: نگاه معاصر.
۶. فرانکنا، ویلیام کی. (۱۳۸۳). فلسفه اخلاق (مترجم: هادی صادقی). قم: نشر طه.
۷. گنسلر، هری جی. (۱۳۹۰). درآمدی بر فلسفه اخلاق معاصر (مترجم: مهدی اخوان). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. هایک، فردریش آگوست. (۱۳۹۰). راه بردگی (مترجمان: فریدون تفضلی و حمید پاداش). تهران: نگاه معاصر.
۹. هایک، فردریش آگوست. (۱۳۹۳). عدالت اجتماعی، سوسیالیسم و دموکراسی (مترجم: مرتضی افشاری). تهران: گهرشید.
۱۰. هلمز، رابرت ال. (۱۳۸۵). مبانی فلسفه اخلاق (مترجم: مسعود علیا). تهران: نشر ققنوس.
11. Boss J. (2008). *Ethics for Life*. New York: McGraw-Hill.
12. Burczak, A. Theodore. (2006). *Socialism after Hayek*. University of Michigan Press.
13. Chamberlain W. (1937). *A False Utopia. Collectivism in theory and practice*. London: Duckworth.
14. Fridman, Milton. (1962). *Capitalism and Freedom*. University of Chicago Press.
15. Harriman D. (1999). *Journals of Ayn Rand*. New York: A Plume Book.



16. Hayek, Friedrich August. (1973). *Law, Legislation and Liberty*. (Vol. 1). Rules and Order, University of Chicago Press.
17. Hayek, Friedrich August. (1976). *Law, Legislation and Liberty*. (Vol. 2). The Mirage of Social Justice, University of Chicago Press.
18. Hayek, Friedrich August. (1979). *Law, Legislation and Liberty*. (Vol. 3). The Political Order of a Free People, University of Chicago Press.
19. Lafollette H. (2007). *The Practice of Ethics*. USA: Blackwell Publishing.
20. Nove, Alec and Thatcher, D. Ian. (1994). *Markets and Socialism*. Business & Economics Journal.
21. Parfit D. (1987). *Reasons and Persons*. New York: Glarendon Press.
22. Peikoff L. (1993). *Objectivism: The Philosophy Ayn Rand*. New York: A Meridian Book.
23. Pojman, Louis P. (2005). *How Should We Live?*. Cambridge, Thomso, Wadsworth.
24. Rachels J. (1998). *The Elements of Moral Philosophy*. New York: McGraw-Hill.
25. Rand A. (1964a). *The Monument Builder*. New York: A Signet Book.
26. Rand A. (1964b). *The Virtue of Selfishness*. New York: A Signet Book.
27. Rand A. (1964c). *Collectivized Rights*. New York: A Signet Book.
28. Rand A. (1964d). *Man's Rights*. New York: A Signet Book.
29. Rand A. (1964e). *Atlas Shrugged*. New York: Penguin Group.
30. Rand A. (1964f). *The Objectivist Ethics*. New York: A Signet Book.
31. Rand A. (1964g). *The Nature of Government*. New York: A Signet Book. 33-
Rand A. (1964h). *Racism*. New York: A Signet Book.
32. Rand A. (1967). *Capitalism: The Unknown Ideal*. New York: Penguin Group.
33. Shafer R. (2010). *Egoism*. *Stanford Encyclopedia of Philosophy*.
34. Stephanson, Anders. (1985). *Feasible Socialism: A Conversation with Alec Nove*, Duke University Press, No. 11, pp. 96-109.
35. The Economist. (2020). *After the Disease, the Debt*, April 25th -May 1st.
36. Von Mises, Ludwig. (1990). *Economic Calculation in the Socialist Commonwealth*, Translated from the German by S. Alder, MISES Institute.
37. Younkins E. (2007). *Ayn Rand's Atlas Shrugged*. New York: Ashgat.



References

1. Boss, J. (2008). *Ethics for Life*. New York: McGraw-Hill.
2. Burczak, A. T. (2006). *Socialism after Hayek*. University of Michigan Press.
3. Butler, E. (1387 AP). *Hayek's Political and Economic Thoughts*. (Tafazoli, F, Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
4. Chanberlain, W. (1937). *A False Utopia. Collectivism in theory and practice*. London: Duckworth.
5. Driver, J. (1394 AP). *Consequentialism*. Tehran: Hekmat Publications. [In Persian]
6. Edwards, P. (1392 AP). *Encyclopedia of Philosophy of Ethics*. (Rahmati, E, Trans.). Tehran: Sofia Publications. [In Persian]
7. Frankenna, W. (2004). *Philosophy of ethics*. (Sadeghi, H, Trans.). Qom: Taha Publications. [In Persian]
8. Fridman, M. (1962). *Capitalism and Freedom*. University of Chicago Press.
9. Gensler, H. J. (1390 AP). *An Introduction to the Philosophy of Contemporary Ethics* (Akhavan, M, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. [In Persian]
10. Ghani Nejad, M. (1376 AP). *Epistemology of economics*. Tehran: Higher Institute for Research in Planning and Development. [In Persian]
11. Ghani Nejad, M. (1381 AP). *About Hayek*. Tehran: Negahe Moaser. [In Persian]
12. Harriman, D. (1999). *Journals of Ayn Rand*. New York: A Plume Book.
13. Hayek, F. A. (1390 AP). *Slavery*. (Tafazoli, F., & Padash, H, Trans.). Tehran: Negahe Moaser. [In Persian]
14. Hayek, F. A. (1393 AP). *Social Justice, Socialism and Democracy*. (Afshari, M, Trans.). Tehran: Gahrshid. [In Persian]
15. Hayek, F. A. (1973). *Law, Legislation and Liberty*. (Vol. 1). Rules and Order, University of Chicago Press.
16. Hayek, F. A. (1976). *Law, Legislation and Liberty*. (Vol. 2). The Mirage of Social Justice, University of Chicago Press.
17. Hayek, F. A. (1979). *Law, Legislation and Liberty*. (Vol. 3). The Political Order of a Free People, University of Chicago Press.



نظر
صدر

سال بیست و ششم، شماره چهارم (پیاپی ۱۰۴)، زمستان ۱۴۰۰

18. Holmes, R. L. (1385 AP). *Fundamentals of Philosophy of Ethics*. (Olya, M, Trans.). Tehran: Qoqnous Publications. [In Persian]
19. Lafollette, H. (2007). *The Practice of Ethics*. USA: Blackwell Publishing.
20. Nove, A., & Thatcher, D. Ian. (1994). *Markets and Socialism*. *Business & Economics Journal*.
21. Parfit, D. (1987). *Reasons and Persons*. New York: Glarendon Press.
22. Peikoff, L. (1993). *Objectivism: The Philosophy Ayn Rand*. New York: A Meridian Book.
23. Pojman, L. P. (2005). *How Should We Live ?*. Cambridge, Thomso, Wadsworth.
24. Rachels, J. (1998). *The Elements of Moral Philosophy*. New York: McGraw-Hill.
25. Rand, A. (1964a). *The Monument Builder*. New York: A Signet Book.
26. Rand, A. (1964b). *The Virtue of Selfishness*. New York: A Signet Book.
27. Rand, A. (1964c). *Collectivized Rights*. New York: A Signet Book.
28. Rand, A. (1964d). *Man's Rights*. New York: A Signet Book.
29. Rand, A. (1964e). *Atlas Shrugged*. New York: Penguin Group.
30. Rand, A. (1964f). *The Objectivist Ethics*. New York: A Signet Book.
31. Rand, A. (1964g). *The Nature of Government*. New York: A Signet Book. 33-
Rand A. (1964h). *Racism*. New York: A Signet Book.
32. Rand, A. (1967). *Capitalism: The Unknown Ideal*. New York: Penguin Group.
33. Shafer, R. (2010). *Egoism*. Stanford Encyclopedia of Philosophy.
34. Stephanson, A. (1985). *Feasible Socialism: A Conversation with Alec Nove*,
Duke University Press, No. 11, pp. 96-109.
35. The Economist. (2020). *After the Disease, the Debt*, April 25th -May 1st.
36. Von Mises, L. (1990). *Economic Calculation in the Socialist Commonwealth*,
(S. Alder, Trans.). MISES Institute.
37. Younkins, E. (2007). *Ayn Rand's Atlas Shrugged*. New York: Ashgat.

